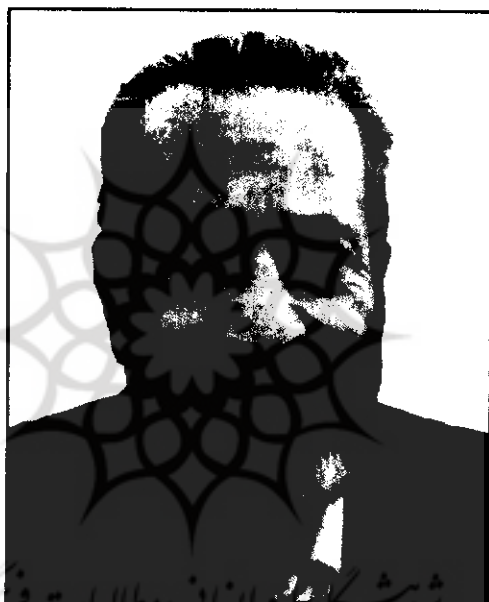


یادمان آئینه فرهنگ اصفهان

حمید خلیلیان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کلیدواژه‌ها

سیدمصالح‌الدین مهدوی، احوال و آثار استادان مهدوی، گزارش بزرگداشت مهدوی.

چکیده

سیدمصالح‌الدین مهدوی از جمله اصفهان‌شناسان فقیدی است که آثار ارزشمند فراوانی درباره دانشمندان و بزرگان اصفهان پدید آورده است. تیرماه سال جاری، مراسم نکوداشت ایشان در اصفهان برگزار شد. این مقاله ضمن ارائه گزارش کوتاهی از این جلسه بزرگداشت، به بهانه برپایی این مراسم، به احوال و آثار زنده‌یاد مهدوی می‌پردازد.

یادمان آئینه فرهنگ اصفهان، بزرگداشت زنده‌یاد مرحوم استاد سیدمصالح‌الدین مهدوی، مورخ و رجالی معاصر به همت مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل و مجموعه فرهنگی، تاریخی و مذهبی تخت فولاد به در روز پنج‌شنبه ۸۶/۴/۱۴ برگزار شد. بخش نخست برنامه، صبح‌گاهان در تالار اجتماعات کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان آغاز شد. پس از تلاوت آیاتی از قرآن کریم، آقای محمدحسین ریاحی مسؤول پژوهش مرکز اصفهان‌شناسی در باب ضرورت تجلیل از مرحوم مهدوی به ایراد سخن پرداخت. پس از آن آقایان دکتر محمدعلی چلونگر، آیت‌الله رضا استادی و دکتر مهدی محقق رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران با سخنانی به منزلت و جایگاه و نقش مرحوم مهدوی اشاره کردند. در برنامه بعد از ظهر که در سالن حوزه‌علوم و فنون واقع

در جنب باغ طوبی تخت فولاد برگزار شد، آقایان حجت‌الاسلام رسول جعفریان، دکتر اصغر منتظرالقائم، استاد مرتضی تیموری و حجت‌الاسلام هادی نجفی مطالبی را ارائه کردند. اختتامیه مراسم، حضور بر سر مزار مرحوم استاد سید مصحح‌الدین مهدوی بود.

سیمای استادان مرحوم مهدوی

سیدمصالح‌الدین مهدوی، معلم و محقق فرزانه، فرزند سیدمحمدتقی ملقب به سید شهاب‌الدین نحوی اصفهانی، از علمای پرهیزگار و ادیبان برجسته بود. مادرش دختر علامه فقیه، آخوند ملامحمدحسین کرمانی، صاحب مسند قضا بود، و از مدرّسان و ائمه جماعت به شمار می‌رفت.

مرحوم مهدوی در شرح احوال خود چنین می‌گوید: پانزدهم محرم سال ۱۳۳۴ قمری در اصفهان، در یک خانواده علمی و روحانی به دنیا آمدم. پدرم از علمای معروف شهر و از متمکین و منتقدین ایشان بود. جدّم مرحوم سیدمحمدحسین مجتهد اصفهانی صاحب تألیفات متعدّد و مادرم دختر مرحوم ملاحسین کرمانی یکی از علمای متنفذ و روحانی‌های مجاهد این شهر بود که علاوه بر تدریس و اقامه جماعت، اجرای حدود شرعی می‌کرد. محضرش محضر قضاء شرعی بود، و در زمان خودش، با وجودی که در آن زمان، اصفهان مرکز علمی بود، عنوان و شهرت کاملی داشت. در همان اوایل کودکی، پدرم از دنیا رفت، من تحت سرپرستی برادرانم که همه اهل علم بودند، بزرگ شدم. هفت ساله بودم که به مدرسه اقدسیه رفتم. در آن هنگام مرحوم شیخ محمدحسین مشکاة زفرای مدیر مدرسه بود. میرزا نورعلی باستی هم ناظم بود. معلّمی داشتم به نام سیدحسن حکیمی‌ها که بسیار مرد محترم و بزرگواری بود. واقعاً علاقه‌مند به شغل [خود] و نمونه یک فرد مسلمان بود. بعدها من به دلایلی از آن مدرسه بیرون آمدم، و به مدرسه

گلبهار _ که در آن زمان از بهترین مدارس اصفهان بود _ رفتم که زیر نظر مرحوم سیدهاشم عدنانی اداره می‌شد. معلّمان این مدرسه، همه خوب و خوب‌تر بودند؛ مثل مرحوم آقا شیخ محمدعلی جیل عاملی، مرحوم شوّندی همدانی و دیگر معلّمان. در آن‌جا تا کلاس دوم دبیرستان را طی کردم. بعداً به مدرسه سعدی که در آن وقت زیر نظر مرحوم محمدتقی‌خان صدری اداره می‌شد رفتم. ناظم این مدرسه، مرحوم سیدعلی خان نوربخش آزاد از شعرا و محترمین اصفهان بود. این مدرسه هم معلّمان بسیار عالی داشت. مثل مرحوم ملامحمد همای که از هم دوره‌ای‌ها و هم‌درسان آیت‌الله ارباب بود...

در خارج از دبیرستان هم در مدرسه صدر در خدمت بعضی از بزرگان، کم و بیش تحصیلاتی کردم. بعد در سال ۱۳۱۵ شمسی به دانشسرای عالی تهران رفتم در آن‌جا هم از مرحوم سیدکاظم عصار و محمدحسین تونی و مرحوم دکتر رضازاده شفق و دیگران که متأسفانه اسامی ایشان را فراموش کرده‌ام، استفاده کردم.

بعد هم در سال ۱۳۱۶ یا ۱۳۱۷ ش خدمت نظام رفتم، افسر وظیفه شدم و فرستادندم تا در پادگان اصفهان خدمت کنم. دوره‌ای که من خدمت کردم، اولین دوره‌ای بود که خدمت وظیفه افسرها یک سال و نیم به دو سال تبدیل شده بود.

بعد از آن هم همین جوری سال‌ها به مطالعه و تحصیل در اصفهان و تهران ادامه دادم تا این‌که در سال ۱۳۳۱ خورشیدی، در آموزش و پرورش تهران استخدام شدم. مدتی در دبیرستان پهلوی تهران تدریس کردم. بعدها به اصفهان منتقل شدم که بیشتر از همه در دبیرستان ادب کار کردم. تقریباً پانزده سال در دبیرستان ادب بودم.^(۱)

همان‌طوری که ملاحظه شد، مرحوم مهدوی در این مصاحبه به نام تعدادی از استادان خود اشاره کرده است. هم‌چنین اشاره



می‌کند که متأسفانه نام بقیه استادان را فراموش کرده است. در این مقاله سعی می‌شود، نام استادان ایشان با شرح احوالی که خود او در آثار خویش نوشته است، آورده شود. در جاهایی که شرح حالی از استادان در آثار مرحوم مهدوی دیده نشده، از منابع دیگر کمک گرفته شده است.

سیدحسین حکیمی‌ها

از ایشان به جز صحبتی که مرحوم مهدوی در مصاحبه بالا آورده شد که در مدرسه اقدسیه از ایشان استفاده کرده است، مطلب دیگری به دست نیامد.^(۲)

شیخ محمدعلی جبل عاملی

از دانشمندان معروف و ادیب و سخن‌شناس بوده، و در مدرسه گلپهار تدریس می‌کرده است. مرحوم مهدوی که از شاگردان آن مدرسه بوده است، در مورد وی چنین می‌نویسد:

«مرحوم ایزدگشسب و مرحوم آقا شیخ محمدعلی جبل عاملی که هر دو از دانشمندان معروف و ادیب و سخن‌شناس بودند، در آنجا [مدرسه گلپهار] تدریس می‌کردند. مخصوصاً مرحوم جبل عاملی گاهی در کلاس به مناسبت مطالبی از کتب متفرقه نقل می‌کرد. روزی مطالبی از قصص‌العلما بیان کرد، و چون قبلاً آن را خوانده بودم و می‌دانستم، در آن باره اظهار نظر کردم، و مورد توجه واقع شدم، و چون دانست که کتاب فوق را مطالعه کرده‌ام، مرا تشویق زیاد کرده، و در کلاس در حضور شاگردان از من تعریف کرد. تشویق مشارالیه از من، آن هم در حضور شاگردان، حس غرور مرا برانگیخت، و به مطالعه بیشتری واداشت، خصوصاً که استاد نام‌برده فرمود: "کتاب بدی نیست گرچه مطالب تحقیق در آن زیاد است، لکن برای مطالعه خوب است، و کمک به خواندن فارسی است."^(۳)

مرحوم جبل عاملی بعد از سال ۱۳۵۰ ق به رحمت ایزدی پیوست، و در امامزاده احمد مدفون شد.^(۴)

سیدابوالقاسم بدری

آقا سیدابوالقاسم بدری فرزند آقا سیدمحمد حسینی برخوردار از سادات صحیح‌النسب حسینی، فاضل ارجمند، پدرش از علماء و ائمه جماعت در یکی از مساجد محله شهشهان بوده، و در سال ۱۳۳۲ ق وفات یافته، و در سر قبر آقا مدفون شده است.

سیدابوالقاسم بدری در مدرسه گلپهار از مدارس جدید اصفهان تدریس می‌کرد، و نویسنده سال‌ها در آن مدرسه از محضر او در ایام تحصیل استفاده کرده‌ام. وی را بر من حقوق تعلیم و تربیت است. در سال ۱۳۹۸ ق وفات یافت، و در قسمت شرقی تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون شد.^(۵)

سیدمحمدحسین شوندی همدانی

فرزند سیداحمد همدانی و از شاگردان مرحوم آقا نجفی است. ^(۸) مرحوم مهدوی از او به عنوان استادش در مدرسه گلپهار نام برده است.^(۹)

میرسیدعلی نوربخش

میرسیدعلی خان نوربخش فرزند میرزا محمدتقی مستوفی لنجان معروف به نوربخش و متخلص به «آزاد» در ۱۲۶۸ ش در

(۱) محقق، جواد، یاد ماندگار، صص ۱۵۴ - ۱۵۵.

(۲) همان، صص ۱۵۴.

(۳) مهدوی، سیدمصالح‌الدین، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲.

(۴) همو، تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۱، ص ۵۱۹.

(۵) همو، سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۸۰، همو، اعلام اصفهان، ج ۱، ص ۳۴۵.

(۶) همو، تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۹۴.

(۷) همو، النیس الفارغین.

(۸) همو، تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۱، ص ۲۶۲.

(۹) محقق، جواد، یاد ماندگار، ص ۱۵۴.



ملا محمد همامی

عالم فاضل ادیب کامل، ملا محمد همامی، فرزند آخوند ملا محمد حسن، در جمادی الاول ۱۲۸۲ ق در قریه همام از بلوک لنجان متولد شد، و مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. پدرش مرحوم ملا محمد حسن از معلمین و مکتب‌داران لنجان بود، و از بزرگ‌ترین شاگردان وی می‌توان به علامه حاج آقا رحیم ارباب اشاره کرد که معلم خصوصی وی در علوم مقدماتی بوده است.^(۱۶) ملا محمد همامی علوم مقدمات را نزد پدر فاضل خود فراگرفت، و از اساتید بزرگوار زیر نیز بهره‌مند شد: سید مهدی نحوی، سید محمود کلیشادی، میرزا محمد هاشم چهارسوقی، شیخ محمد تقی نجفی (آقا نجفی)، شیخ مرتضی ریزی، آقا سید محمد باقر درچه‌ای، ملا محمد کاشانی، جهانگیرخان قشقایی.^(۱۷)

وی در علوم و معارف تا آن‌جا پیش رفت که خود ادیبی فاضل و فقیهی کامل و حکیمی بارع شد، و از آخوند ملا محمد حسین فشارکی و شیخ محمد رضا نجفی اجازه اجتهاد دریافت کرد. مرحوم فاضل همامی از اوایل تأسیس مدارس جدید در اصفهان در سال ۱۲۸۳ ش وارد خدمت فرهنگ شد، و در دبیرستان‌های علییه، کالج و سعدی تدریس کرد. وی در ادبیات عرب و فارسی ید طولایی داشت، و به عربی و فارسی شعر گفته که هنوز به طبع نرسیده است.^(۱۸)

از شاگردان او می‌توان به سید محمد رضا آل رسول شمس‌آبادی، حاج آقا سید محمد آل رسول شمس‌آبادی اشاره کرد.

مهدوی در مورد استاد خود چنین می‌نویسد:

«وی از دبیران مجرب و کارآزموده و مؤمن به شغل خود بود. نگارنده مدت چهار سال در دبیرستان سعدی افتخار شاگردی وی را داشت، و الحق ایشان را انسان کامل یافت.»^(۱۹)

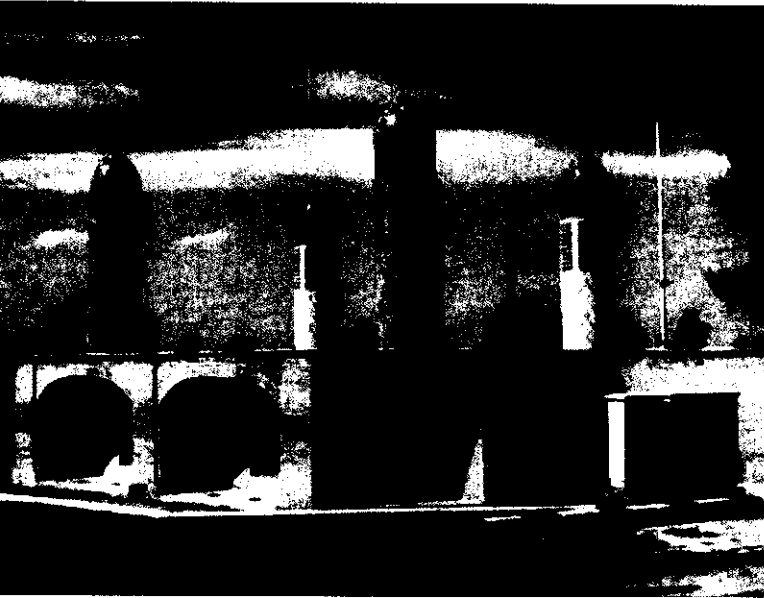
در جایی دیگر مرحوم مهدوی در مورد وی چنین گوید: «مرحوم ملا محمد همامی از هم دوره‌ای‌ها و هم‌درسان آیت‌الله ارباب بود. من در طول سال‌های



اصفهان متولد شد. تحصیلات قدیم و جدید را در این شهر به پایان رسانید، و خصوصاً در ادبیات فارسی و عربی زحمت زیاد کشید.^(۲۰) هم‌چنین زبان فرانسه را فراگرفت^(۲۱)، و پس از تکمیل تحصیلات خود، چندین سال دبیر ادبیات و ناظم دبیرستان سعدی اصفهان بود، و در انجمن‌های ادبی اصفهان عضو مؤثر به شمار می‌رفت. اشعارش علاوه بر روزنامه اصفهان در مجله دانشکده نیز به طبع رسیده، و چندین سال ساکن شهر تهران بود، و در دبیرستان‌های آن‌جا انجام وظیفه کرد. وی در تهران از اعضای انجمن ادبی حکیم نظامی بوده، و اشعارش در مجله ارمغان به چاپ رسیده است. نگارنده چندین سال در اصفهان در آن موقع که ایشان در دبیرستان سعدی به سمت نظامت و دبیری ادبیات کار می‌کرد، افتخار شاگردی ایشان را داشت.^(۲۲)

از دیگر فعالیت‌های وی این‌که در سال ۱۳۲۵ ش مجله هفتگی نوربخش را به مدت یک سال انتشار داد^(۲۳)، و از آثار وی جزوهای به نام جوان سلحشور و منتخبات آزاد به طبع رسیده است.^(۲۴) وی دارای طبعی سرشار و در انواع سخن منظوم، مهارت داشت، خصوصاً غزل را نیکو می‌سرایید، و جمیع معاصرین را نسبت به ایشان اعتقاد بود، و در ترجمه اشعار گویندگان خارجه خصوصاً شعرای فرانسه به نظم، استاد بود.^(۲۵)





معلمی و شاگردی خودم، معلمی جامع‌تر و کامل‌تر از مرحوم ملامحمد همای ندیدم. این مرد، جامع تمام صفات یک انسان کامل بود. مردی ادیب، فقیه و شاعر، و کلاس او کلاس انس بود. اگر محصلی به او می‌گفت: "آقای همای" ذاتا ناراحت می‌شد، همه به او می‌گفتند: "آقا جون"؛ چون واقعا برای ما مثل پدر بود.^(۲۰)

مرحوم همای پس از عمری خدمت به مردم، در شب دوشنبه ۱۴ رجب ۱۳۵۹ ق مطابق با ۲۸ مرداد ۱۳۱۹ ش در اصفهان بدرود حیات گفت، و در تکیه بروجردی تخت فولاد مدفون شد.



((حاجی میرزا باقر امامی در حکمت و فلسفه و فقه و اصول از اساتید به شمار است، مدت چندین سال است که در یکی از مدارس اصفهان به سمت دبیری ادبیات مشغول است، و خرد و بزرگ از محضرش استفاده می‌نمایند. این بنده نیز مدتی خدمت ایشان خارج از مدرسه تحصیل کرد، و از خرمن فضل و دانش او خوشه‌ها چیده‌ام)).^(۲۱)

حاج میرزا محمدباقر امامی در بین فرهنگیان، محبوبیت و احترام خاصی داشت، و از کلاس درسش شاگردان زیادی استفاده کامل کرده‌اند.

مرحوم امامی علاوه بر تدریس و تعلیم، دارای تألیفات متعدّد است که از آن جمله می‌توان کتابی در حکمت را نام برد که در آن به شرح حال حکما و فیلسوفان پیش از سقراط تا صدرالمطالین شیرازی و شاگردان او پرداخته است. وی رساله‌ای نیز در *نسب‌نامه سادات درب امامی* دارد.^(۲۵)

میرزا محمدباقر امامی

عالم فاضل و حکیم ادیب، میرزا محمدباقر امامی فرزند سیداحمد از سلسله جلیله سادات حسینی درب امامی اصفهان، در سال ۱۲۵۳ ش در اصفهان متولد شد.^(۲۱)

وی پس از فراگیری علوم مقدماتی، در حوزه علمیه اصفهان از محضر استادان بزرگوار آن استفاده برد که از این میان می‌توان به نام آقا سیدمحمدباقر درجه‌ای، آخوند کاشی، جهانگیرخان قشقایی^(۲۲) نام برد. هم‌چنین در حوزه علمیه تهران همراه مرحوم شیخ محمود مفید، نزد فقیه شهید شیخ فضل‌الله نوری و حکیم متألّه میرزا حسن کرمانشاهی^(۲۳) شاگردی کرد.

تحصیلات آن مرحوم در قسمت ادبیات، منطق، صرف و نحو، معانی بیان و فلسفه بود، مخصوصاً در قسمت ادبیات، تخصص کامل داشت، و از بعضی علمای معروف، اجازه اجتهاد داشت.

مرحوم امامی از سال ۱۳۰۰ ش وارد خدمت فرهنگ شد، و در دبیرستان‌های صارمیه، فرهنگ، آرامنه و معقول و منقول در اصفهان تدریس کرد.

محقق ارجمند و مورخ شهیر سیدمصالح‌الدین مهدوی که از شاگردان مرحوم امامی بوده است، در مورد وی می‌نویسد:

- ۱۰- همو، تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۱۵.
- ۱۱- برقی، سیدمحمدباقر، سخنوران نامی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۰۰.
- ۱۲- مهدوی، سیدمصالح‌الدین، تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۵-۱۶.
- ۱۳- برقی، سیدمحمدباقر، سخنوران نامی معاصر ایران، ج ۱، ص ۱۰۰.
- ۱۴- مهدوی، سیدمصالح‌الدین، تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۱۶.
- ۱۵- همو، تذکره المعاصرین.
- ۱۶- سیاس‌گزاری از مردم، ج ۱، ص ۳۶.
- ۱۷- مهدوی، سیدمصالح‌الدین، تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۳۳.
- ۱۸- نشریه اداره فرهنگ استان دهم، ش ۱۳، ص ۲۲.
- ۱۹- مهدوی، سیدمصالح‌الدین، تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۳۴.
- ۲۰- محقق، جواد، یاد ماندگار، ص ۱۵۵.
- ۲۱- نشریه اداره فرهنگ استان دهم، ش ۱۵، ص ۴۰.
- ۲۲- مهدوی، سیدمصالح‌الدین، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۵۳.
- ۲۳- کرباسی‌زاده اصفهانی، علی، نگاهی به احوال و آرای حکیم مدرّس اصفهانی، ص ۴۵.
- ۲۴- مهدوی، سیدمصالح‌الدین، تذکره المعاصرین.
- ۲۵- کرباسی‌زاده اصفهانی، علی، نگاهی به احوال و آرای حکیم مدرّس اصفهانی، ص ۴۵.

میرزا باقر امامی در سن هفتاد سالگی در ظهر چهارشنبه از ماه صفر ۱۳۶۴ ق برابر با ۱۴ فروردین ماه سال ۱۳۲۴ ش وفات یافت، و در تخت فولاد در صحن تکیه بروجردی مدفون شد.

مرحوم مهدوی که احتمالاً در زمانی که مرحوم آرام در مدرسه سعدی اصفهان بوده، از محضر ایشان استفاده کرده است در مورد وی چنین می‌نویسد:

«آقای احمد آرام از فضلا محسوب هستند، کتب چندی ترجمه و تألیف کرده‌اند؛ از آن جمله است کتاب فیزیک و شیمی برای دوره متوسطه و فیزیک برای کلاس ششم متوسطه و غیره. از اساتید حقیر هستند، و نسبت به این بنده کمال لطف و مرحمت داشته، فعلاً ساکن تهران است.»^(۳۷)

آرام در سال ۱۳۷۷ ش سرانجام پس از یک قرن زندگانی درگذشت، و در بهشت زهرای تهران در کنار دیگر اعضای پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی به خاک سپرده شد.^(۳۸)



آقا نصیرالدین خواجوی نوری

فرزند حاجی میرزا بهاء نوری از برندگان علم و ادب و از اساتید حقیر است.^(۳۹) وی تحصیلات خود را در مدرسه علوم سیاسی تمام کرد، و از سال ۱۳۰۰ ش وارد خدمت معارف گردید، و به تدریس تاریخ و جغرافیا و ادبیات پرداخت، و از معلمین فاضل برجسته محسوب می‌شد. وی بعداً به خدمت دادگستری رفت، و در این شغل به مدارج عالی رسید.^(۴۰)



شیخ ابوالقاسم زفرهای

عالم فاضل و واعظ ادیب شیخ ابوالقاسم زفرهای معروف به حاج آخوند از مدرسین سطوح در اصفهان، فرزند مرحوم ملا محمدعلی (ملاعلی، عرب زفرهای) متولد حدود ۱۲۶۰ ق است. از استادان حاج آخوند، اطلاعی در دست نیست. وی از مدرسین سطوح در اصفهان و نیز از محدثین و واعظین به نام بوده است. وی تألیفات متعددی دارد که از آن جمله است:
۱. رساله در اصول دین؛

احمد آرام

معلم، نویسنده و مترجم. احمد آرام فرزند غلامحسین شال فروش در سال ۱۳۲۱ ق در خانواده‌ای دیندار و اصیل در تهران به دنیا آمد.

آرام تحصیلات ابتدایی را در تهران آغاز کرد، و دبیرستان را در دارالفنون به پایان رساند. وی پس از دو سال تحصیل در مدرسه حقوق، به مدرسه طب رفت؛ ولی تحصیل طب را هم ناتمام گذاشت، و به شغل معلمی روی آورد، و در مدارس تهران و مدتی هم در مدرسه سعدی اصفهان به تدریس پرداخت. وی مدت‌ها در مقام معلم و بازرس عالی و مدیر کل در تهران، اصفهان، شیراز و کرمان خدمت کرد. اما شهرت آرام در جامعه ایران به سبب آثار قلمی و مخصوصاً ترجمه‌های متعدد و متنوع او است.

نخستین اثر قلمی آرام، کتابی است به نام هدیه نوروزی که شامل آزمایش‌هایی است در فیزیک و شیمی که خود برای شاگردانش در مدرسه انجام داده بود.

آرام با زبان‌های عربی و انگلیسی و فرانسه آشنایی داشت، و نثر فارسی او پخته و پرورده و روشن و بی‌تکلف بود. ترجمه‌های او طیف وسیعی از موضوعات علمی را دربر می‌گرفت، و شامل کتاب‌هایی است در موضوعات فیزیک، شیمی، ریاضی، نجوم و هیأت، تاریخ علم، جغرافیا، روان‌شناسی، علوم اجتماعی، تاریخ فلسفه، علوم قرآن و معارف اسلامی و جز این‌ها. آثار او به بیش از صد جلد بالغ می‌شود، و این سوای مقالات او است که در مجلات گوناگون به چاپ رسانیده است.

از آثار ترجمه‌ای ایشان سه حکیم مسلمان، علم و تمدن در اسلام، پیدایش و مرگ خورشید، تکامل فیزیک، تاریخ علم، ایرانیان و بربرها و لغت‌های قرآن را می‌توان نام برد.^(۴۱)

۲. کتابی در قاعده دایره هندی؛

۳. کتابی در مکروهات موجب فقر؛

۴. کتابی در علوم غریبه؛

۵. رساله در قبله.

آن جمله‌اند: آخوند کاشی، آقا شیخ مرتضی ریزی و میرزا حسین همدانی. در خط از شاگردان میرزا فتح‌الله جلالی بود، و در اندک زمانی در شعر معروف، و فضایلش زبان زد خاص و عام گردید.

در اوایل جوانی در دستگاه رضاقلی‌خان بختیاری وارد شد، و به مناسبت علم و فضل و تقوی و امانت مورد احترام و اعتماد خوانین بختیاری واقع گردید؛ لکن مقام فضل و تقوی او اجازه تمکین از مالکان و سرمایه‌داران را نمی‌داد؛ لذا آن را ترک کرد، و به اصفهان آمد.

در اصفهان انجمن ادبی تأسیس کرد، و شعرا را گرد هم آورد، و به ترویج شعر و ادب، و تصحیح اشعار گویندگان پرداخت، و مدت چهارده سال بدین مهم اقدام کرد، و در ضمن آن به نشر مجله ادبی دانشکده پرداخت. لکن متأسفانه در دو دوره‌ای که مجله را منتشر ساخت، جمعاً بیشتر از دوازده شماره منتشر نشد.

مرحوم شیدا در این مدت تمام سرمایه مالی و جسمانی خویش را در این راه صرف کرد، به طوری که در اواخر عمر با ضعف مزاج و انواع امراض و فقر و تنگدستی به سر می‌برد، و آنان که مدت‌ها از خوان احسان علمی و مالی او بهره‌مند بودند، کم‌ترین توجهی به او نکردند. وی دارای استغنا طبع و همت بلند بود، و هرگز زیر بار احسان دیگران نمی‌رفت. او در نظم و نثر از استادان درجه اول اصفهان بلکه ایران به شمار می‌رفت؛ خصوصاً در نظم که همه شعرا به استادی او اعتراف داشتند. در نثر از شیوه متقدمان که عبارات را مسجع می‌نگاشتند پیروی می‌کرد، و بدین سبب مورد پسند این دوره واقع نشد.

شیدا یکی از مظاهر صداقت و درستی، علم و دانش، فضیلت و تقوی و علم و عمل بود. همه دوستان به او ارادت می‌ورزیدند، و او با آنها با کمال صمیمیت و صفا رفتار می‌کرد^(۳۳)، و از اساتید حقیر در ادبیات محسوب هستند.^(۳۴)

مرحوم شیدا پس از یک عمر کار و کوشش و رنج و مشقت، سرانجام در شب سه‌شنبه ۲۴ جمادی‌الاول سال ۱۳۶۹ق برابر با ۲۳ اسفند ۱۳۲۸ش وفات یافت، و در تکیه سیدالعراقین مدفون شد. فوت او یکی از ضایعات ادبی است که به عالم شعر و ادب و فرهنگ ایران وارد آمد.^(۳۵)

مرحوم زفره‌ای که از استادان بنام بوده، روش مخصوصی در تدریس داشته است، و در مقدمات، بیشتر فضلالی معاصر از شاگردان وی بودند، معروف بوده که حاج آخوند به علوم غریبه آشنا است، و در جبر و اعداد و طلسمات، زحماتی کشیده، و در این موارد کارهایی به او منسوب است.^(۳۶)

مرحوم سیدمصالح‌الدین مهدوی که از شاگردان وی بوده است، در مورد ایشان چنین می‌نویسد:

«آقا شیخ ابوالقاسم زفره‌ای معروف به حاج آخوند از اعظام فضلالی اصفهان بود. قریب نود سال از سنش می‌گذشت، در حفظ قواعد عربیت از اغلب معاصرین ممتاز بود. بیشتر افاضل اصفهان و غیره به شرف تلمذ او مفتخرند؛ از آن جمله است این بنده که مدتی مقدمات صرف و نحو و معانی و غیره را در خدمت ایشان خوانده‌ام.»^(۳۷)

سرانجام این عالم فاضل و واعظ ادیب در روز دوشنبه ۲۸ رمضان سال ۱۳۵۲ق در اصفهان وفات یافت، و پیکرش را در تخت فولاد در بقعه تکیه بروجردی به خاک سپردند.



میرزا عباس خان شیدا

میرزا عباس خان شیدا فرزند میرزا اسحاق دهکردی، ادیب و شاعر و نویسنده محقق، در علم و فضل ممتاز بوده، و یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان و ادبای معاصر ایران و از خدمت‌گزاران واقعی فرهنگ و ادب در اصفهان به شمار می‌رفته است. او در ۱۴ ذی‌حجه سال ۱۲۹۹ق در شهرکرد متولد شد. تحصیلات خویش را در شهرکرد و اصفهان خدمت جمعی از بزرگان علم و ادب، در فقه و اصول و منطق و کلام و حدیث و تفسیر به پایان رسانیده که از

(۳۶) سعادت، اسماعیل، دانشنامه زبان و ادب پارسی، ص ۳۸ - ۳۹.

(۳۷) مهدوی، سیدمصالح‌الدین، انیس الفارغین.

(۳۸) سعادت، اسماعیل، دانشنامه زبان و ادب پارسی، ص ۳۹.

(۳۹) مهدوی، سیدمصالح‌الدین، انیس الفارغین.

(۴۰) همای، جلال‌الدین، تاریخ اصفهان، ص ۶۸.

(۴۱) مهدوی، سیدمصالح‌الدین، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۰۸.

(۴۲) همو، تذکره المعاصرین.

(۴۳) مهدوی، سیدمصالح‌الدین، تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۲۹۱-۲۹۲.

(۴۴) همو، انیس الفارغین.

(۴۵) همو، تذکره شعرای معاصر اصفهان.



میرزا عبدالحسین قدسی

عالم فاضل میرزا عبدالحسین متخلص به قدسی، خطاط و شاعر، مؤسس مدرسه قدسیه و جامع فضائل و کمالات صوری و معنوی و از فرهنگیان اصفهان، فرزند میرزا محمدعلی خوشنویس اصفهانی، در رمضان ۱۲۷۸ ق در اصفهان به دنیا آمد.

تحصیلات خود را در مدرسه نیم آورد که از مدارس قدیم معروف اصفهان است، شروع کرد، و سالها در خدمت فقیه عالم متبحر آقا سید محمدباقر درجهای و علامه آخوند کاشی بود، و در ضمن، نزد پدرش که از اعظام خوشنویسان بود مشق خط کرد تا در خط نسخ و ثلث به درجه استادی رسید. از هنرنماییهای آن مرحوم در اوان جوانی این بود که سوره اخلاص را بر روی یک دانه برنج نگاشته است.

مرحوم قدسی نه تنها در خوشنویس استاد نامدار زمانه خویش بود؛ بلکه در مراتب فضل و دانش و سخن دانی و خدمت به تعلیم و تربیت فرزندان وطن، مقامی والا و رتبه‌ای ارجمند داشت. او با تأسیس یکی از آبرومندترین کانون‌های فرهنگی، چهل سال به جوانان اصفهان فضل و فضیلت آموخت، و آن خدمت با اخلاص را در اداره دبیرستان و درس گفتن بر سر کلاس تا یک هفته به پایان عمر پربرکت خویش که دیگر با ذات الریه از نفس افتاد، ادامه داد.

میرزا عبدالحسین قدسی در ادب و شعر فارسی اطلاعات وسیع و ذوق سرشار داشت، و گاهی به تفنن شعر می‌گفت، و «قدسی» تخلص می‌کرد، و در بدیبه‌گویی و زودشعری، تبخری بسزا داشت. این ادیب فاضل، سرانجام پس از هشتاد سال عمر که همه در خدمت ادب و فرهنگ گذشت، چشم از دیدار هستی فروبست، و شب یکشنبه پنجم صفر ۱۳۶۶ ق مطابق با هشتم دی ماه ۱۳۲۵ ش دار فانی را وداع گفت، و در تخت فولاد اصفهان در تکیه تویسرکانی مدفون شد.^(۳۶)

مرحوم مهدوی در تذکره المعاصرین از ایشان نام می‌برد، و می‌نویسد:

«آقا میرزا عبدالحسین بن میرزا محمدعلی خوشنویس معروف به قدسی از ادباء و خطاطین و بزرگان اصفهان است. خود ایشان از اساتید بنده محسوب‌اند.»^(۳۷)

آقامیرسیدحسن مدرس هاشمی

فرزند سیدمحمد مدرس به سال ۱۳۲۹ ق در خاندان علم و سیادت و فقاہت، پای به عرصه گیتی گذاشت. وی پس از پشت

سر گذاشتن دوران کودکی، تحصیلات خود را نزد پدر آغاز کرد، و در حوزه علمیه اصفهان نزد بزرگانی همچون حاج شیخ ابوالقاسم زفره‌ای معروف به حاج آخوند، آقا شیخ علی مدرس یزدی، استاد جلال‌الدین همایی و سیدکاظم مرتضوی، علوم دینی را فراگرفت. از دیگر استادان معظم له در اصفهان، شیخ محمود مفید، میرزا احمد مدرس اصفهانی، حاج آقا رحیم ارباب، سیدمرتضی خراسانی، آقا میرسیدمحمدصادق قاضی‌عسکر معروف به داورپناه، میرسیدمحمد نجف‌آبادی، میرسید علی نجف‌آبادی، آقامیرسید محمدصادق مدرس خاتون‌آبادی، حاج شیخ محمدرضا نجفی و آقا سیدمهدی درچه‌ای را می‌توان نام برد.

آقا میرسیدحسن علاوه بر تبخیر در رشته‌های گوناگون علوم نقلی و نیل به درجه رفیع اجتهاد در فقه، علوم عقلی و شعبه‌های مختلف آن را نیز از محضر حکما و متکلمین برجسته عصر خود فراگرفت، و حکیمی متألّه و متکلمی چیره دست گشت، و در این علوم از محضر حکمای بزرگی همچون آقا میرزا یحیی مدرس ییدآبادی، شیخ محمدعلی فتحی دزفولی، آقا میرزا محمدباقر امامی و آقا شیخ محمد حکیم خراسانی و دیگران فیض برد.

مرحوم مدرس هاشمی عمده تحصیلات خود را در زادگاهش اصفهان پشت سر گذاشت. در عین حال به شهر مقدس قم نیز مسافرت کرد، و در دو سال اواخر عمر پربرکت مؤسس حوزه علمیه قم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بهره‌ها برد، و همچنین از محضر مرحوم آقا سید محمد حجت کوه‌کمری استفاده کرد. از ویژگی‌های مرحوم مدرس این بود که از همان آغاز دوران



می‌کرد، و جمعی کثیر از طلاب و محصلین از محضرش استفاده می‌کردند، و در غرة محرم الحرام سال ۱۳۶۴ق به سن متجاوز از هشتاد در اصفهان وفات یافت، و در صحن تکیه سیدالعراقین مدفون شد.^(۳۲)

من بنده نیز چندین جلسه خدمت ایشان حاضر گردیدم. اغلب ایشان را ملاقات کرده از فیض حضورش کام‌یاب می‌شوم، و مطول را خدمت ایشان دیده‌ام.^(۳۳)

شیخ محمدعلی کرمانی

عالم فاضل، مرحوم حاج شیخ محمدعلی کرمانی از علمای اخیر بود، در اصفهان خدمت جمعی کثیر همچون حاج ملاجواد آدینه‌ای، میرزا محمدعلی رنایی اصفانی، آقا سیدمحمود مغنی‌گوی، شیخ

تحصیل و طلبگی، شروع به تدریس کرد. یکی از علایق اصلی آقا سیدحسن مدرّس، تفسیر قرآن کریم بود، و در کنار تدریس و تربیت طلاب، جلسات تفسیر و تدریس را برپا می‌کرد.

علامه میرسیدحسن سرانجام در ظهر شنبه ۲ ربیع‌الاول سال ۱۴۱۹ق برابر با ۶ تیرماه ۱۳۷۷ش جان به جان آفرین تسلیم کرد، و پیکر پاکش با تجلیل فراوان تشییع، و در مقبره مطهر علامه مجلسی به خاک سپرده شد.^(۳۸)

مرحوم مهدوی در مورد استادش چنین می‌نویسد:
«عالم فاضل و واعظ کامل، السید الممتحن السید محمدحسن، گرچه هنوز در غنّوان جوانی است؛ لکن آثار رشد از وحنّاتش نمودار است. مقدمات عربیت و منطق و کلام و کمی تفسیر در خدمت ایشان خوانده‌ام. مدّتی است که به امراض گوناگون مبتلا گردیده، و بدین واسطه از نعمت تحصیل محروم گشته است، خداوند به همه مرضای اسلام شفا عنایت فرماید.»^(۳۹)

میر سید علی زنجیره‌فروش

فرزند سیدمحمد موسوی. سید سند و فاضل معتمد، از استادان فنّ تجوید و قرائت بوده است، و عده‌ای زیاد از قراء قرآن در خدمتش تجوید و قرائت آموخته‌اند. وی از شاگردان عاصم کاشانی، قرائت ده‌گانه را بیاموخت، و سال‌ها تدریس «شاطبی» در اصفهان منحصر به او بوده است.

این سید فاضل که در حدود سال ۱۲۷۵ق متولد شده بود، در سال ۱۳۵۱ق به رحمت ایزدی پیوست، و در تکیه شیخ مرتضی ریزی مدفون، و سپس به اعتبار مقدسه منتقل شد.^(۴۰)
سیدمصلح‌الدین مهدوی در ضمن بیان شرح حال ایشان می‌نویسد که مدّتی بنده در خدمت ایشان قرائت قرآن می‌کردم.^(۴۱)

سید آقا جان نوربخش

آقا سیدمحمد معروف و مشهور به سید آقا جان نوربخش. عالم فاضل ادیب، و واعظ ریزی اصفهانی، از فضلاء اهل منبر و مدرّسین سطوح در اصفهان به شمار می‌رفت.

در خدمت آقامیرزا محمدباقر چهارسوقی و آقا میرزا محمدهاشم چهارسوقی و حاج سیدمهدی نحوی و آقا سیدمحمود مغنی و حاج میرزا بدیع درب امامی و آقا سیدمحمدباقر درجه‌ای و دیگران تحصیل کرد تا به مقامات عالیه علم و کمال رسید، سپس جهت ارشاد مردم به منبر رفت، و با بیانات شافی و مواعظ کافیه، مردم را موعظه می‌فرمود، و الحق، خود واعظی متعظ بود.

در مدرسه نیم‌آورد، سطوح ادبیات عرب، خصوصاً مطول تدریس

۳۶) قدسی، منوچهر، میرزا محمدعلی خوشنویس اصفهانی و فرزندان فاضل هنرمندش صص ۱۰۵-۱۱۰.
۳۷) مهدوی، سیدمصلح‌الدین، تذکرة المعاصرين.
۳۸) کرباسی‌زاده اصفهانی، علی، نگاهی به احوال و آرای حکیم مدرّس اصفهانی، صص ۳۳-۱۰۵.
۳۹) مهدوی، سیدمصلح‌الدین، تذکرة المعاصرين.
۴۰) همو، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۸۱۸.
۴۱) همو، انیس الفارغین.
۴۲) همو، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۴۶-۴۷.
۴۳) همو، انیس الفارغین.
۴۴) عالم فاضل و ادیب، در مدرسه نیم‌آورد تدریس می‌کرده، به سال ۱۲۲۵ وفات یافته، و در صحن درب امام مدفون شده است.



محمدحسن حکیم شیرازی، آخوند کاشی، جهانگیرخان، میرزا محمد حکیم کاشانی اصفهانی، آقا سیدمحمدباقر درچه‌ای، عبدالکریم جزی و میرزا حسین همدانی (۳۳) و آیت‌الله بروجردی قبل از مهاجرت به نجف تحصیل کرده است.

سپس در سال ۱۳۱۹ به نجف مهاجرت کرده، در آنجا خدمت آقا سیدمحمدکاظم یزدی، شیخ‌الشریعة اصفهانی و آخوند خراسانی تحصیل کرده، و نسبت به اخیر، خصوصیت داشته، و مدتی به درس و بحث اشتغال یافته، سپس ترک مباحثه و تدریس کرده، و تقریباً مدت ده سال آخر عمر به طور تجرد و انزوا می‌زیسته است.

در ذی‌الحجه ۱۲۹۵ ق متولد شده، و در شب جمعه ۶ جمادی الاول سال ۱۳۸۰ ق وفات یافته، در تخت فولاد مقابل تکیه میرزا ابوالمعالی مدفون شده است.

رسائل عدیده‌ای در مباحث فقه و اصول نوشته است، از آن جمله:

۱. تقریرات اصولی آخوند خراسانی؛

۲. رساله مبحث الفاظ؛

۳. رساله در استصحاب؛

۴. رساله در تعادل و تراویح؛

۵. رساله در عدالت؛

۶. رساله در بیع؛

۷. رساله در مرخحات؛

۸. رساله در مسح رجلین؛

۹. رساله در دماء ثلاثه؛

۱۰. رساله در تعارض استصحاب و ید؛

۱۱. رساله در بیع معاوضة؛

۱۲. شرح خطبه نهج‌البلاغه (اول الدین معرفة الله) و حدود

بیست رساله و کتاب دیگر. (۲۵)

نگارنده مدتی از محضر ایشان در علوم عربیت استفاده کرده است. در رجب سال ۱۳۸۲ به سن متجاوز از هشتاد وفات یافت، و در تکیه سید العراقرین در بقعه‌ای مخصوص مدفون شد. (۳۶)

سیدعلی اصغر مدرّس برزانی

عالم ربّانی و فقیه زاهد آیت‌الله سیدعلی اصغر مدرّس برزانی فرزند سیدمحمدحسین در حدود سال ۱۳۱۰ ق در اصفهان متولد شد. از مدرّسین عالی‌مقام مدرسه صدر بازار که به خصوص در تدریس قوانین الاصول میرزا ابوالقاسم قمی، استاد منحصر به فرد و بی‌نظیری است، و هم‌چنین در تدریس فرائد، فرید و وحید بود. در اصفهان و نجف تحصیل کرد. از استادان معروف او مرحوم آیتین حجتین آقا سیدمحمدباقر درچه‌ای در اصفهان و آقا ضیاءالدین



محمدحسن قاضی عسکر

شیخ محمدحسن قاضی عسکر معروف به داورپناه. عالم فاضل و محقق جلیل، در خوانسار متولد شد. در محل تولد خود و اصفهان و نجف تحصیل کرد، مجتهدی عالی‌مقدار و مدرّسی کامل بود. در فقه و اصول و ادبیات، در حدود سطوح خارج تدریس می‌فرمود، و در کشف معضلات علوم، ید بیضا می‌کرد. سال‌ها در مدرسه درکوشک، فرائد و متاجر و کفایه مباحثه می‌کرد، جمعی از افاضل این شهر، خدمت او تحصیل کرده‌اند.

از بدو تشکیل مدارس جدید به خدمت فرهنگ وارد شد، و بدین جهت مقامات علم مشارالیه مجهول ماند، و آن طور که باید و شاید از ایشان استفاده نشد. در ارتش سال‌ها به عنوان قاضی عسکر خدمت می‌کرد.

عراقی^(۴۷)، آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا میرزا محمدحسین نایینی در نجف بوده‌اند. وی پس از نیل به مقام عالی در علم و اجتهاد به اصفهان مراجعت فرمود، و سال‌ها در مدرسه صدر بازار، حوزه‌درس اصول داشت.^(۴۸)

عالمی متواضع و مهربان بود، و در نظافت و تربیت ضرب‌المثل بود، جمعی از افاضل دانشمندان اصفهان افتخار شاگردی‌اش را دارند.^(۴۹) آیت‌الله شیخ محمدحسین فشارکی در اجازه اجتهاد و روایت به ایشان مرقوم فرموده‌اند:

((ایشان به مرتبه کامله از علم و اجتهاد نائل شده است، و خداوند به او قوه استنباط اعطا کرده است، و می‌توانم در مورد ایشان بگویم که از علمای عاملین؛ بلکه از پیشتران علما است)).^(۵۰)
مرحوم مهدوی در مورد ایشان می‌نویسد:

((آقا محمد بن آقا سیدعلی برزانی اصفهانی از طلاب علوم دینیّه در سال ۳۹۲۱ متولد گردیده، و "فاتحی" تخلص فرماید. عموی ایشان آقا سیدعلی اصغر نیز از آشنایان این جانب و مدرّس مدرسه صدر، برادر آقا محمد نیز آقا سیدمحمدباقر بود. در سال ۴۵۳۱ در سن ۷۳ سالگی فوت شد، و تماماً از رفقا و اساتید بنده محسوب هستند)).^(۵۱)

سرانجام وی در شب جمعه ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۹۵ق در اصفهان فوت کرد، و در روز جمعه با تشییع مناسب در تکیه آقا سیدرضی در تخت فولاد به خاک سپرده شد.



شیخ محمدعلی مدرّس دزفولی اصفهانی

فرزند نصرالله بن ابوالحسن بن لطف‌علی فتح‌الله بن میرکلب‌علی منکره‌ای. عالم فاضل محقق، از افاضل مدرّسین اصفهان، در زهد و تقوی و اعراض از دنیا بی‌نظیر، و در علم

و عمل، کم‌نظیر بود.

در ۱۲۷۱ در دزفول متولد شد^(۵۲)، وی در سن شانزده سالگی شوق تحصیل پیدا کرد، و با زحمت و پشتکار و همت عالی، اغلب علوم و معارف و کتب دینی و علمی را خود خواند، و با مرور و مطالعه مکرر، به مراتب عالی فضل و کمال رسید. آن مرحوم به غیر از برخی مقدمات و ادبیات و سطوح فقه که نزد شیخ محمدحسن دزفولی و برادر بزرگ او شیخ محمد طاهر فراگرفت، هر آنچه می‌دانسته، و به دست آورده، حاصل زحمات طاقت فرسای خودش بود، و از همان سنین جوانی، به تدریس و تعلیم مشغول بوده است.

در حدود سن سی و هشت سالگی در حوزه علمیه اراک (سلطان‌آباد) بیش از چهار سال از منطق تا فرائد شیخ انصاری را تدریس می‌کرد، و روزی هفت تا هشت درس می‌گفت، و خطورات رحمانی بسیاری برای او رخ داده است. سرانجام مهیای سفر اصفهان شد، و با این که مرحوم حاج آقا محسن فرید، ریاست مدرسه سپهسالار اراک، اصرار بر ماندن و توقف ایشان در اراک داشت؛ ولی آن مرحوم بالاخره به اصفهان آمد، و در این شهر متوطن و متوقف شد. در اصفهان در مدرسه چهارباغ ساکن، و مشغول تدریس سطوح شد.

بعضی از آثار وی عبارت‌اند از:

۱. نورالانوار در منطق؛
 ۲. گشاف الغایه در حاشیه بر تهذیب منطق تفتارانی؛
 ۳. حاشیه بر حاشیه ملاعبده‌الله؛
 ۴. مختصر «معنی اللیب»؛
 ۵. غنیة الادیب حاشیه بر مختصر «معنی اللیب»؛
 ۶. حاشیه بر فرائد الاصول شیخ انصاری.^(۵۳)
- این عالم ربّانی در سن هشتاد و هشت سالگی در شب جمعه (عرفه) نهم ذی‌حجه سال ۱۳۵۸ق برابر با ۲۸ بهمن ۱۳۱۸ش در اصفهان وفات کرد، و در تکیه سیدالعراقین به خاک سپرده شد.

(۴۵) همو، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۵۳۲ - ۵۳۵.

(۴۶) همان، ج ۱، صص ۶۸۲ - ۶۸۳.

(۴۷) همو، تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۳، ص ۲۵۵.

(۴۸) فقهی، سیدمحمدعلی، نوری از مصباح واعظ ص ۱۶۳.

(۴۹) مهدوی، سیدمصالح‌الدین، ارمغان اصفهان، ص ۸۴.

(۵۰) فقهی، سیدمحمدعلی، نوری از مصباح واعظ، ص ۱۶۷.

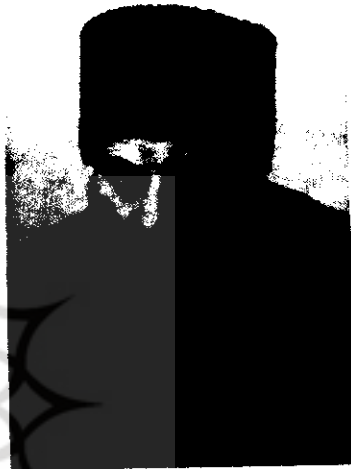
(۵۱) مهدوی، سیدمصالح‌الدین، انیس الفارغین.

(۵۲) همو، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۶۸۸.

(۵۳) دزفولی فتحی، محمدعلی، نورالانوار، صص ۱۰ - ۲۰.

نوشته مرحوم مهدوی در مورد این استادش چنین است:

«العالم الفاضل و المحقق الكامل، شیخ العلماء و المجتهدين، حجت الاسلام و المسلمين الشيخ الزاهد المعمر، الشيخ محمدعلی الذرقولی از اجله علما و مدرّسین و بزرگان فقها و مجتهدين بود، چندین ماه بنده در خدمت ایشان تحصیل نمودم، و از دریای بی کران فضایلش استفاده نمودم»^(۵۴)



حاج آقا رحیم ارباب

عالم ربّانی و فقیه صمدانی، حکیم عارف آیت الله العظمی حاج آقا رحیم ارباب از مفاخر علمی و معنوی و مدرّسین شهیر حوزه علمیه اصفهان که در جامعیت علمی و ملکات اخلاقی، در زمان خود، بی نظیر بوده است.

وی در اصفهان نزد علمای بزرگی چون حاج میرزا بدیع درب امامی، سید محمدباقر درچه‌ای، آقا سید ابوالقاسم دهکردی، جهانگیرخان قشقایی و آخوند کاشی، کسب علم کرد، و به مقام اجتهاد رسید. مراتب سیر و سلوک را نزد جهانگیرخان قشقایی و آخوند کاشی فراگرفت. ایشان شاگرد خاص آخوند کاشی بود، و مدت بیست سال متوالی در خدمت وی بود، و انواع علوم را از محضر او آموخت. ارادت وی به استادش چنان بود که بعد از فوت استاد، هر هفته به زیارت قبر وی می‌رفت، و هنگام فوت نیز وصیت کرد در مجاورت استادش دفن شود.

حوزه درسش مجمع فضلا و دانشمندان روزگار بود. شاگردان بسیاری را تربیت کرد. از جمله شاگردان او می‌توان

به: استاد جلال الدین همایی، سید روح الله خاتمی، محمدعلی معلّم حبیب‌آبادی، شیخ محمدباقر صدیقین، و بسیاری از بزرگان دیگر اشاره کرد. وی در فقه، بسیار خوش سلیقه و دارای استقلال فکری بود، و تحت تأثیر دیگران واقع نمی‌شد.

اکثر متون عالی فقه را از بر داشت، و در استحضار مسائل به کمال بود، و اطراف و جوانب آن را به طوری استوار گردانید که به بحث و تشکیک، تزلزلی بر خاطرش راه نمی‌یافت. لزوم بقای میّت، وجوب عینی نماز جمعه، ارث بردن زن از اعیان ترکی شوهر، از جمله فتاوی او به شمار می‌رود. وی علاوه بر دارا بودن مقام استنباط، در آن ده علمی که مقدمه اجتهاد است، و فقط دانستن قسمتی از آن لازم است، اجتهاد و مهارت کامل داشت، و در ریاضیات، هیأت و نجوم به تصدیق اهل فن، استاد مسلم بود. بسیاری از خطب نهج البلاغه را از حفظ داشت، و اشعار ابن ابی الحدید را در مناقب مولای متّقین علی (علیه السلام) مکرّر می‌خواند و وی را می‌ستود.^(۵۵)

مرحوم سید مصحح الدین مهدوی که خود یکی از شاگردان ایشان است در مورد استادش چنین می‌نگارد:

((العالم الربّانی و الفاضل الصمدانی الحکیم المتألّه فخر المتألّهین الحاج آقا رحیم مشهور به ارباب الدهکردی. نویسنده این کتاب نیز مدتی به فیض حضور انوارش مستفیض و مستفید می‌گردید، و شرح لمعه را در خدمت ایشان می‌خواندم، و جناب ایشان را نسبت به این جانب، محبت فوق العاده و آن به مناسبت رفاقت ایشان با مرحوم والد اعلی الله مقامه بود)).^(۵۶)

محمدعلی معلّم حبیب‌آبادی

وی در سال ۱۳۰۸ قمری در قریه حبیب‌آباد متولد شد. در مولد خود و اصفهان از محضر جمعی از بزرگان بهره‌های علمی یافت، و سال‌ها در موطن خود مرجع شرعیات بود. بالاخره به اصفهان مهاجرت کرد، و در مدرسه کاسه‌گران حجره‌ای گرفت، و در آن‌جا به کار تحقیق و تنبّع و تألیف، و هم‌چنین تدریس ادبیات پرداخت، و چندین سال در کتابخانه شهرداری اشتغال جست، و پس از بازنشستگی نیز سال‌ها در مدرسه‌های مختلف و منزل دانشمند بزرگوار و عالم جلیل، محقق متبّع جناب سید محمدعلی

مرحوم مهدوی که سال‌ها از برکات انفاس قدسی مرحوم حبیب‌آبادی استفاده‌ها برده، و همیشه از لطف و محبت ایشان برخوردار بوده است، در مورد وی چنین می‌نگارد:

«سال‌های زیادی هم با مرحوم معلم حبیب‌آبادی محشور بودم، و از ایشان استفاده علمی، اخلاقی و دینی کردم، هفته‌ای دو یا سه روز در مدرسه کاسه‌گران که ایشان آن‌جا حجره داشت، و عصرها درس سیوطی می‌گفت، سر درس ایشان حاضر می‌شدم؛ البته استفاده‌ای که در خارج از حجره درس می‌شد، خیلی مهم‌تر از دروس رسمی بود.»^(۵۹)



روضاتی ساکن و تحقیقات علمی و ادبی و رجالی خویش را ادامه داده است.

مرحوم حبیب‌آبادی در زهد و تقوی اعراض از ما سوی الله، تواضع، قدرت حفظ و جمیع صفات و فضائل انسانی، فردی شایسته، و معلمی با مسمی بود. من سال‌ها از نزدیک با او معاشر بودم، و از او جز خوبی و نیکویی ندیدم.^(۵۷)

سرانجام در قبل از ظهر روز سه‌شنبه ۲۲ ماه رجب سال ۱۳۹۶ق در بیمارستان وفات یافت. جنازه وی با کمال عزت و احترام به حبیب‌آباد منتقل، و در مزار جدید آن دهکده مدفون شد. وی دارای آثار و تألیفات زیادی است که تعدادی از آن‌ها آورده می‌شود:

صادق رضازاده شفق

صادق میرزا حاجی آقا فرزند رضا، شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. در تبریز به سال ۱۳۷۱ش متولد شد، و زبان فرانسوی و انگلیسی را در مدرسه کاتولیک آمریکایی تبریز فرا گرفت. مدتی مدیریت مدرسه حیات تبریز را بر عهده داشت، و در سال ۱۳۲۸ق بر اثر ق روزنامه شفق را در تبریز منتشر کرد. در سال ۱۳۳۰ق بر اثر سخنرانی‌هایی که علیه دولت روسیه می‌کرد، از طرف آن دولت به اعدام محکوم شد، و به استانبول گریخت. در آن‌جا از کالج رابرت به دریافت لیسانس نائل شد، و در سال ۱۳۴۰ق به ایران بازگشت.

۱. امالی؛

۲. مختصرالتواریخ؛

۳. دیوان اشعار؛

۴. مکارم‌الآثار؛

۵. احوال شیخ‌الاسلام‌های اصفهان؛

۶. سمایی در احوال شیخ بهایی؛

۷. عراضه‌الآخوان در سفرنامه خراسان؛

۸. فهرست اسماء اشعریین؛

۹. کشف الخبیه از مقبره زینبیه؛

۱۰. جعبه، مانند کشکول در مطالب مختلف و غیره که در کتاب زندگی‌نامه آیت‌الله چهارسوقی اسامی شصت و چهار کتاب و رساله از تألیفات آن مرحوم ذکر شده است.^(۵۸)

(۵۴) مهدوی، سیدمصلح‌الذین، تذکره‌المعاصرين.

(۵۵) عقیلی، سیداحمد، تخت فولاد اصفهان، ص ۳۳۹.

(۵۶) مهدوی، سیدمصلح‌الذین، تذکره‌المعاصرين.

(۵۷) همو، مزارات اصفهان، صص ۱۶۱ - ۱۶۲.

(۵۸) روضاتی، سیدمخدعلی، زندگانی آیت‌الله چهارسوقی، صص ۱۴۷ - ۱۴۸.

(۵۹) مهدوی، سیدمصلح‌الذین، انیس الفارغین.

و ریاست مؤسسهٔ وعظ و خطابه را به عهده داشت. از ابتدای تأسیس دانشگاه تهران، استاد تاریخ ادبیات فارسی شد. وی سمت‌های متعددی در دانشکده‌های مختلف داشت. فروزانفر سفرهای متعددی به خارج از کشور کرد؛ از جمله به دعوت دانشگاه بیروت برای تأسیس کرسی زبان فارسی، به لبنان، و برای مشارکت در کنگرهٔ اسلامی پاکستان، به لاهور، و برای بازدید از مؤسسات فرهنگی و خاورشناسی و زیارت مزار مولانا جلال‌الدین رومی و دیدار از کتابخانه‌های علمی، به ترکیه نیز سفر کرد. دانشمندی نکته‌سنج، استادی محقق و مدرسی بی‌نظیر بود.

از آثارش: منتخبات شاه‌نامه، سخن و سخنوران، منتخبات ادبیات فارسی، رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد، تاریخ ادبیات ایران، فرهنگ نازی و فارسی، خلاصه ((مثنوی))، احوال و تحلیل آثار فریدالدین عطار نیشابوری، دستور زبان فارسی و... را می‌توان نام برد. استاد بدیع‌الزمان سرانجام در سال ۱۳۴۹ ش بر اثر سکنهٔ قلبی در تهران درگذشت.^(۶۲)

سیدمصلح‌الدین مهدوی در مدتی که در دانشسرای عالی مشغول تحصیل بوده است، این استاد را ملاقات، و نزدش تحصیل می‌کند. او در مورد این استادش چنین می‌نویسد:

«بدیع‌الزمان خراسانی از افاضل و دانشمندان است در ادبیات فارسی و صرف و نحو عربی از اساتید به شمار می‌رود. مدت چندین سال است که در تهران اقامت دارد، و در دانشگاه ایران سمت استادی دارد. مدتی ریاست دانشگاه معقول و منقول با ایشان بود. مدت چهارماه تقریباً در دانشسرای عالی خدمت ایشان تحصیل نمودم، و از خرمن فضل و دانشش خوشه‌ها چیدم.»^(۶۳)

آقا سیدکاظم عصار خراسانی

سیدکاظم فرزند سیدمحمد فرزند سیدمحمود حسینی. در حدود سال ۱۳۰۵ ق در کاظمین به دنیا آمد. پدرش سیدمحمد، فقیه اصولی، مفسر، حکیم و شاعر متخلص به «عصار» صاحب تألیفات چند در فقه، اصول و ادبیات، متوفای سال ۱۳۵۶ ق و مدفون در ایوان صحن رضوی حرم مطهر حضرت امام رضا(علیه السلام) است.

سیدکاظم در حالی که یک سال داشت، پدرش او را به

تهران آورد. وی مقدمات و ادبیات را در تهران گذرانید. در ۱۳۲۳ ق به اصفهان رفت، و در آنجا به تحصیل فلسفه مشغول شد. پس از مدتی به تهران بازگشت، و نزد استادان این شهر، فلسفه و عرفان و فقه آموخت. در ۱۳۳۰ ق به عتبات رفت، و پس از بهره‌گیری از عالمان آنجا به دریافت اجازه نائل شد. در ۱۳۴۰ ق مجدداً به تهران بازگشت، و به تدریس فلسفه در مدرسهٔ عالی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) مشغول شد. عصار در نزد پدرش و شریعت اصفهانی، میرزا محمدتقی شیرازی و آقا ضیاء‌الدین عراقی تلمذ کرده است. مدتی در اروپا به سر برد، و به زبان فرانسه تسلط داشت. از آثار وی: تفسیر سورهٔ حمد و کتاب درسی علم‌الحديث را می‌توان نام برد.^(۶۴)

مرحوم مهدوی در توصیف این استادش چنین می‌نگارد:

[۶۰] نوایی، عبدالحسین، اثر افرینان، صص ۱۱۶ - ۱۱۷.

[۶۱] مهدوی، سیدمصلح‌الدین، تذکره المعاصرین.

[۶۲] نوایی، عبدالحسین، اثر افرینان، صص ۲۷۸.

[۶۳] مهدوی، سیدمصلح‌الدین، تذکره المعاصرین.

[۶۴] نوایی، عبدالحسین، اثر افرینان، صص ۱۷۸ - ۱۷۹.

«العالم الفاضل و الجامع البارع الأديب الأريب، و السید و السند الحسیب السید کاظم بن العلامه سید محمد بن محمود حسینی لواسانی معروف به عصار، از اجلة علما و بزرگان و فقها و معاریف حکماء، چندین ماه خدمت ایشان تحصیل فلسفه نمودم، و از خرمن فضایلش خوشه‌ها چیدم.»^(۶۵)

شیخ محمدحسین فاضل تونی

استاد عالی‌قدر، فاضل تونی، فیلسوفی برجسته، و جزو فرهنگیان عرفان و معرفت در سال ۱۲۹۸ق در شهر تون (فردوس) در خانواده‌ای از اهل زهد و تقوی یا به عرصه حیات نهاد.

وی ادبیات عرب را نزد ملامحمدباقر تونی و آقا میرزا حسین تونی در فردوس فراگرفت، و سپس راهی مشهد مقدس و از محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری استفاده کرد. سپس همراه فیلسوف نامی شیخ محمد حکیم خراسانی رهسپار حوزه پر حکمت و معرفت اصفهان شد، و از محضر بزرگانی همچون جهانگیرخان قشقایی، میرزا محمدصادق مدرّس خاتون‌آبادی، ملامحمدحسین فشارکی، سیدعلی نجف‌آبادی و شیخ عبدالله گلپایگانی (که در آن زمان ناگزیر از نجف راهی اصفهان شده بود) بهره‌مند شد.

مرحوم فاضل تونی در تهران از شاگرد پرآوازه حکیم میرزا ابوالحسن جلوه، میرزا هاشم اشکوری نیز بهره‌های فراوان برد، و هم‌زمان تدریس را نیز آغاز کرد، و مدتی بعد جزو استادان ادبیات عرب در دانشسرای عالی قرار گرفت.

آیت‌الله العظمی سیدحسین طباطبایی بروجردی که با ایشان در درس میرزا جهانگیرخان قشقایی شرکت کرده، ایشان

را «عماد العلماء و المتألهین» خوانده است.

از مرحوم فاضل تونی آثاری همچون *تعلیقہ بر شرح فصوص الحکم*، *منتخب نهج البلاغه*، *حاشیه بر اسفار ملاصدرا* به یادگار مانده است.^(۶۶)

مرحوم مهدوی در ضمن یادداشت‌های خود از ایشان یاد کرده است، و می‌نویسد:

«عالم فاضل و حکیم بارع، آقا شیخ محمدحسین معروف به فاضل از اهالی خراسان و ساکن تهران است. در حکمت مشاء از اساتید حقیر به شمار می‌رود.»^(۶۷)

سرانجام این گوهر گران‌بها در روز سه‌شنبه ۱۸ شعبان ۱۳۸۰ق برابر با ۱۳ بهمن ۱۳۳۹ش در تهران چشم از جهان فروبست، و در قبرستان قم به خاک سپرده شد.^(۶۸)

عباس اقبال آشتیانی

عباس اقبال فرزند محمدعلی در سال ۱۲۷۷ش در آشتیان به دنیا آمد. وی از دانشمندان و محققان نامور معاصر ایران و از نخستین ایرانیانی که با شیوه تحقیقات نوین اروپایی آشنا شد، و آثار گران‌بهایی از خود بر جای نهاد.

وی در اوایل عمر به درودگری پرداخت؛ اما در چهارده سالگی این حرفه را رها کرد، و به تحصیل روی آورد. وی در مکتب‌خانه‌های زادگاهش به فراگرفتن علوم متداول پرداخت، سپس به تهران آمد، و وارد مدرسه دارالفنون شد. پس از گذراندن دوره متوسطه به تدریس در مدارس گوناگون تهران پرداخت. در ۱۳۰۴ش با سمت منشی هیأت نظامی ایران به فرانسه عزیمت کرد، و در ضمن اشتغال به کارهای دولتی موفق به اخذ لیسانس از دانشگاه سوربن شد. وی

در فرانسه با روش تحقیق اروپایی آشنایی یافت، و خود از پیشروان پژوهش انتقادی در ایران شد. اقبال در بازگشت به ایران به استادی دانشگاه تهران برگزیده شد، و به عضویت دائمی فرهنگستان ایران درآمد.

در ۱۳۲۴ش به انتشار مجله ادبی و تاریخی یادگار پرداخت که نشر آن تا ۱۳۲۸ش ادامه یافت، و در شمار بهترین مجلاتی است که تا کنون در زبان فارسی انتشار یافته است.

در همین سال، سمت نمایندگی ایران در ترکیه و ایتالیا را یافت، و تا روزی که درگذشت، در همین مقام باقی بود. وی روز بیست و یکم بهمن ماه ۱۳۳۴ش در شهر رم زندگی را بدرود کرد، و از جهان کناره گرفت، و در کنار مرقد شیخ ابوالفتح رازی در جوار بارگاه حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) به خاک سپرده شد.

اقبال در تحقیقات خود، نومایه و در نثر فارسی از سبکی متین و در عین حال روان برخوردار بود. وی در ترجمه، امین، و در تصحیح انتقادی متون، استاد بود، و بر زبان‌های عربی و فرانسوی تسلط، و با زبان انگلیسی آشنایی داشت.

او در حدود سی جلد کتاب و تعداد بسیار زیادی مقاله در روزنامه‌ها و مجلات انتشار داد؛ مهم‌ترین آثار اقبال عبارت‌اند از: تاریخ مغول، خاندان نویختی، شرح حال عبدالله المقفّع، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، میرزا تقی‌خان امیرکبیر.^(۶۹)

مرحوم سیدمصالح‌الدین مهدوی که در تهران در دانشسرای عالی، مرحوم اقبال را مکرر ملاقات و از محضر او استفاده کرده است در مورد وی چنین می‌نویسد:

«اقبال آشتیانی نامش عباس خان و از فضایی معاصرین و از تحصیل‌کردگان اروپا است. مدتی که در دانشسرای عالی بودم، مکرر خدمت ایشان مشرف شده، و کسب فیوضات نمودم. ایشان در سلک اساتید حقیر منسوب‌اند. در بین معاصرین در احاطه به وقایع تاریخی و تتبع در منابع آن‌ها هیچ‌کس را با ایشان آهنگ برابری نیست.»^(۷۰)

فهرست منابع و مآخذ

۱. افشار، ایرج، نادره کاران، به کوشش محمود نیکویه، تهران: قطره، چاپ اول ۱۳۸۳ش.
۲. برقی، سیدمحمدباقر، سخنوران نامی معاصر ایران، قم: خرم، چاپ اول ۱۳۷۳ش، ع.ج.
۳. جواهرکلام، عبدالحسین، تربیت پاکان قم، قم: انصاریان، چاپ اول ۱۳۸۳ش، ج. ۴.
۴. نوایی، عبدالحسین (زیر نظر)، اثر آفرینان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران، ع.ج.
۵. دزفولی فتحی، محمدعلی، نورالانوار، ۱۳۵۸ش.
۶. روضاتی، سیدمحمدعلی، زندگانی آیت‌الله چهارسوقی، اصفهان: نفائس مخطوطات اصفهان، ۱۳۳۲ش.
۷. سعادت، اسماعیل، دانشنامه زبان و ادب فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول ۱۳۸۴ش.
۸. عقلی، سیداحمد، تخت فولاد اصفهان، اصفهان: کانون پژوهش، چاپ دوم ۱۳۸۵ش.
۹. فقیهی، سیدمحمدعلی، نوری از مصباح واعظ، قم: گلستان ادب، چاپ اول ۱۳۸۴ش.
۱۰. قدسی، منوچهر، «میرزا محمدعلی خوشنویس اصفهانی و فرزندان فاضل هنرمندش»، مجله هنر و مردم، شماره ۱۵۷.
۱۱. کرباسی‌زاده، علی، نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرّس اصفهانی، اصفهان: کانون پژوهش، چاپ اول ۱۳۹۵ق.
۱۲. محقق، جواد، یاد ماندگار، تهران: مدرسه، چاپ اول ۱۳۷۸ش.
۱۳. مهدوی، سیدمصالح‌الدین، اعلام اصفهان، به تحقیق غلامرضا نصراللهی، به ویرایش محمدرضا زادهوش، اصفهان: مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل وابسته به سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، چاپ اول ۱۳۸۶ش.
۱۴. همو، ارمغان اصفهان، اصفهان: حسینیه عمادزاده، چاپ اول ۱۳۹۵ق.
۱۵. همو، انیس الفارغین، مخطوط.
۱۶. همو، تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، قم: نشر الهدایه، ۱۳۶۷ش، ج. ۲.
۱۷. همو، تذکرة شعرای معاصر اصفهان، اصفهان: کتاب‌فروشی تأیید، ۱۳۳۴ش.
۱۸. همو، تذکرة المعاصرین، مخطوط.
۱۹. همو، دانشمندان و بزرگان اصفهان، تحقیق و اضافات رحیم قاسمی و محمدرضا نیل‌فروشان، اصفهان: گلدسته، چاپ اول ۱۳۸۴ش، ج. ۲.
۲۰. همو، مزارات اصفهان، به تصحیح اصغر منتظرالقائم، اصفهان: دانشگاه اصفهان، چاپ اول ۱۳۸۲ش.
۲۱. نشریه اداره فرهنگ استان دهم اصفهان، شماره ۱۶ - ۱۵، سال دوم، ۱۳۳۶ش.
۲۲. نشریه سپاس‌گزاری از مردم، اوقاف اصفهان، ج. ۱، ۱۳۳۶ش.
۲۳. همایی، جلال‌الدین، تاریخ اصفهان (ابنیه و عمارات)، فصل تکایا و مقابر) تهران: نشر هما، ۱۳۸۱ش.

(۶۵) مهدوی، سیدمصالح‌الدین، تذکرة المعاصرین.

(۶۶) جواهرکلام، عبدالحسین، تربیت پاکان، ج. ۳، صص ۱۵۹۴ - ۱۵۹۱.

(۶۷) مهدوی، سیدمصالح‌الدین، تذکرة المعاصرین.

(۶۸) جواهرکلام، عبدالحسین، تربیت پاکان، ج. ۳، صص ۱۵۹۴ - ۱۵۹۷.

(۶۹) افشار، ایرج، نادره کاران، صص ۱۱۰ - ۱۱۱.

(۷۰) مهدوی، سیدمصالح‌الدین، تذکرة المعاصرین.